

این نوشته ترجمه است از گفتار علی رضا صبوری که خلاصه آن در تاریخ پنجم ماه می دو هزار و پنج با نام ایران ، دیروز ، امروز و فردا در برابر اعضای سنای دولت آمریکا بیان شد.

ترجمه و خلاصه، با کوشش سازمان جوانان خواهان شاهنشاهی ایران انجام شده است. رویدادهای بسیاری را از آغاز رژیم اسلامی در ایران از تاریخ فوریه ۷۹ با تجربه دیده‌ایم. رویه قانون اسلام و اسلامی در ایران امروز، کشتار و دو روئی و نیرنگ و خیانت به میهن و نگهبانان میهن و میهن پرستان ایرانی است.

۸ سال جنگ طولانی با عراق، کشتار بیش از ۱۰۰،۰۰۰ زندانیان ایران پرست و ایرانی در ایران، و زندانی کردن بیش از ۶۰۰،۰۰۰ ایرانی در ایران، بجرم میهن پرستی، کشتار میهن پرستان و میهن دوستان ایرانی خارج از مرزهای ایران، نابسامانیهای اقتصادی و مالی، انزوا و تنهائی کشور ایران در میان دشمنان منابع طبیعی ایران که همگی برای سهم خود کیمین کرده اند و روزانه از سرمایه های مملکت می ربایند، بی کاری، ضایع شدن حقوق زنان، دزدی در همه سطوح جامعه، ضایع کردن حق و حقوق انسانی همه مردم، ضایع کردن حق ایرانیان از سرمایه های کشور خودشان، کشتار ایرانیان در معابر عمومی و همچنین بشکل مخفیانه، بالا رفتن میزان دزدی و جرم و اعمال غیر قانونی، رواج اعتیاد به مواد مخدر از جمله دردهای روزانه است که مبتلایشان شده‌ایم. هر روز، در ایران میهن زیبای ما، زنان و کودکان و خواهران و همسران ما با بدترین روشهای غیر انسانی و ضد ایرانی و ضد ایران روبرو هستند.

برقراری حکومت اسلامی در ایران با زور و دروغ و کشتار و تنفر بر ایرانیان وارد شده است. همچنانکه در تاریخ، حمله اعراب به ایران دوباره و سه باره و ده باره بر ایرانیان وارد شده است و با خون ریزی، زور، جبر و احجاف پایه‌هایش را در ایران برقرار کرده است و ساسانیان و ایرانیان و پندار نیک و گفتار نیک و کردار نیک دوباره بر خاک شد.

خمینی، ملای اسلام که نیمی انگلیسی و نیمی هندی است مؤسس رژیم اسلامی و اخوندی در ایران زمین شد. نوشته‌های ایشان نمودار بیماری روانی و جنون کامل، دوری از منطق، حقایق و آگاهی ایشان از محیط و دنیای خارج است. متاسفانه خمینی رهبری یک نمایش سیرک در تهران را بعهده گرفت و نام این نمایش را انقلاب ایران گذاشتند و اطرافیان ایشان از آن لذت بسیاری بردند. تاریخ ایران و ایرانیان هرگز این تحقیر و خجالت و احساس گناه عمومی که حمله بزرگی به فرهنگ و تاریخ ایران بود را فراموش نمیکنند و نخواهند کرد.

همزمان با دروغ گفتن های پیاپی رژیم اسلامی حاکم در ایران، حقایق هم در باره ایران زمین، ایران و مردم واقعی ایران و فرهنگ ایرانی همزمان شنیده میشود. جالب است که در سال ۷۹ نمایش سیرک اجرا میشد و همگان درباره چگونگی این نمایش گفتگو میکردند، ولی در مورد حقایقی چون قدرت کشور ایران قبل از نمایش خمینی، آزادی مردم، وجود تندرستی روان و رفاه جسمانی همگانی، وفور نعمت غذایی و مایحتاج همگانی و وجود برنامه های گوناگون تفریحی، گفتگویی نمی شد و هیچ کسی از این موهبت های اجتماعی و فردی چیزی نمیگفت.

بر طبق گزارش دولت اسلامی ایران ۶۳۵ درصد به تعداد زنان و نوجوانان خود فروش ایرانی اضافه شده است. بالا بودن این آمار، سرعت پیشرفت صدمه های روانی و جسمانی (abuse) را نشان میدهد. در تهران ۸۴۰۰۰ زن و دختر ایرانی خودفروشی میکنند و تجارت و منافع مالی آن بین المللی است. هزاران تن از زنان و دختران ایرانی در خارج از کشور بیگاری جنسی میکشند و دچار صدمات روحی، روانی و جسمانی و احساسی می شوند. بچه ها را برای استفاده مالی به خارج از کشور ایران برای فروش می فرستند و از آنها بیگاری جنسی میکشند و پولهای هنگفتی از آن در خارج و داخل کشور پس انداز میکنند.

امروز احساس گناه این جنایت ها بر دوش ملامت های ایرانیست. هنگامی که برنده جایزه نوبل ما ایرانیان در دانشگاه های امریکا، در مورد انسان و انسانیت و حقوق بشر گفتگو می کند نماینده این ملامت معرفی می شود. ایشان در مورد جوانانی که در معابر عمومی به دار اویخته میشوند، زنان و دختران نوجوانی که سنگسار میشوند، زندانیانی که هر روز به جرم ایران پرستی و ایران دوستی و دفاع از مرزهای ایران زیر زجر شکنجه هایی که از وقایع قرون وسطی محسوب می شود و متأسفانه این آمار روز به روز بیشتر میشود، چیزی نمی گویند. این چنین ها مرام ایرانیان نیست. مرام اعراب است که ایرانیان را به گور برده اند و اسلام را جایگزین پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک کرده اند.

امروز می بینیم، حوادثی که ناشی از سر و صدای مخالفت با دولت آمریکا است به دست مردم عرب وابسته به کشور عربستان سعودی، مانند جریان ۹/۱۱ در امریکا و غیره و غیره انجام میشود اثر منفی در رابطه عربستان سعودی با دولت آمریکا گذاشته است. ولی ایران زمین و ایرانیان که طرفدار دمکراسی دولت آمریکا هستند و برای بازگشت به افتخارات میهنی و حق و حقوق تاریخی و مرزی و فرهنگی و مالی خود از دولت آمریکا کمک می خواهند، صدایشان بی صدا است و مملکتشان همانند

جان ایرانیان هرروزه پاره پاره می شود.

امروز اتحادیه اروپا با رهبری انگلیس و بسیاری از دول اروپائی، وعده‌ی آزادی و دموکراسی می‌دهند، با آنکه میدانند چه بر ایران و ایرانیان می‌گذرد. خودشان را به کوری و کری و حماقت می‌زنند و در مورد جنایات دولت اسلامی ایران که بر مردم وارد می‌آورد بی‌اعتنا هستند. فقط بدلیل منافع اقتصادی خود از ملاها پشتیبانی می‌کنند و حمایت همدیگر را هم دارند.

این اولین بار نیست که در تاریخ چنین وقایعی شرم‌آور برای چپاول منابع مالی کشور ما و سایر کشورها در دنیا ساخته و پرداخته و اجرا میشود. خاطرات جنگ تریاک کشور چین هنوز زنده است. تارومار کردن ثروت کشور هندوستان و خاطرات گاندی هم هنوز امری تازه و هویدا است.

در قرن نوزدهم، در ایران بدلیل کمبود خودآگاهی و بی‌لیاقتی دولت، مرزهای ایران تجزیه شد و ما مردم ایران در اذربایجان شمالی از ایران جدا هستیم. ما در بحرین، گرجستان، ازبکستان، تاجیکستان و افغانستان دیگر با هم نیستیم، امروز گرگها کمین کرده‌اند تا خوزستان نفت خیز را از ایران جدا کنند.

امروز ما جوانان ایرانی که از اشتباهات پدرانمان پند گرفته‌ایم اشتباهات گذشته را می‌بینیم و رنج و محنت و شرم و احساس گناه را قبول می‌کنیم. ما حاصل سالها پیشرفت تکنولوژی کامپیوتر و اینترنت هستیم. ما امروز ۷۰ درصد جمعیت ایران را تشکیل داده‌ایم. ما قدرت تجزیه و تحلیل، قدرت منطق و قدرت دانش ناخودآگاهی را

فرا گرفته‌ایم. ما دانش روانشناسی و تجربه و تحلیل کردن امور و همچنین به کاربرد تدبیر ایرانی را باز جسته‌ایم. این اطلاعات را در بدن و مغز جایگزین کرده‌ایم.

ما دیگر خود را نمی‌شکنیم. ما فردای ایران هستیم. ایرانی برتر از دیروز. امروز در آمریکا، تعداد زیادی از ما تابعیت دولت آمریکا را قبول کرده‌ایم. در آمریکا درس خوانده‌ایم. صاحب شرکتهای بزرگ و کوچک شده‌ایم. در دولت و ارتش آمریکا کار گرفته‌ایم. ما کاندیدای کنگره آمریکا شده‌ایم. بزرگترین طراحان لباس و مد دنیا

هستیم، رهبری ناسا (NASA) را بعهده گرفته‌ایم، ورزشکارها و قهرمانان ورزشی المپیک را پرورانده‌ایم، ما به پیشرفت هنر و فرهنگ و دانش و علم بشری در بیرون و درون

مرزهای ایران یاری کرده‌ایم. این برتری‌ها برای ما یک وظیفه بزرگ است بر دوش ما. امروز دست در دست می‌دهیم و هر روز با بخاطر آوردن این تجربه دردناک و حقیقت

بی‌منطق، از رویداد سال ۷۹ درس می‌آموزیم و سوگند و یاد می‌کنیم که مرزهای ایران را با پول معامله نکنیم. ما باید به جهانیان افتخارات تاریخی، فرهنگی و علمی

وظیفه ما آنست که به جهانیان بشناسانیم که ایران زادگاه ایرانیان است. ما کردها، لرها، بلوچها، آذربایجانیها، تهرانیها، خوزستانیها، شیرازیها، کرمانیها، مازاندرانیها، اصفهانیها، گیلانیها، خراسانیها، دامغانیها، یزدیها، بوشهریها، همه و همه و یکی هستیم، ایرانی هستیم. در درون مرز و بیرون مرزهای کشور ایران زیر پرچم سه رنگ شیر و خورشید ایران زادگاه کورش و داریوش و کیانیان و اشکانیان و ساسانیان را از دست جنایتکاران و چپاولگران و غارتگران بیرون میاوریم. اکنون چاره رهبری این ملت بر دست و شانه‌های رضا شاه دوم است.

پاینده مرزهای ایران و پرچم سه رنگ شیر و خورشید ایران.

Website: www.oyicm.org